



تصویر سنگ قبر حضرت عباس(ع) و شعری که بر روی آن حک شده است

بر روی مضجع مطهر و مبارک فرزند با کرامت امیرمومنان، حضرت ابوالفضل العباس (ع) صندوقی چوبی و خاتم کاری شده از بهترین انواع چوب ساج قرار داده شده است...

بر روی مضجع مطهر و مبارک فرزند با کرامت امیرمومنان، حضرت ابوالفضل العباس (ع) صندوقی چوبی و خاتم کاری شده از بهترین انواع چوب ساج قرار داده شده است که دارای طول 3 متر، عرض 2.20 و ارتفاع 2 متر می باشد. به گزارش شفقنا درون این صندوق، صندوق چوبی میناکاری شده ی دیگری قرار دارد که با نقوش هندی مزین شده و به این آیه منور قرآن کریم مزین گردیده است:

"بسم الله الرحمن الرحيم : هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا" (سورة الإنسان - آية 1)

"آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود"

زیر این صندوق چوبی، اتفاق مقبره ای قرار دارد که پیکر پاک مولا و سرورمان حضرت ابوالفضل العباس (ع) در آن آرمیده است. در اینجا قطعه ای از سنگ مرمر مستطیلی شکل دیده می شود که بر این مقبره شریف و در طول بقعه حرم قرار گرفته و بر روی آن ابیات زیر نقش بسته است:

طاوولی قسبة السماء اعتلاء واكسفى الشمس رفعة واجتلاء
در بلندی از گنبد آسمان فراتر برو و بلندی و شکوه آسمان را ببوشان.
انت للخلد صخرة اثبتتها قوة الحق فى الحياة بناء
تو برای جاودانگی، صخره ای هستی که نیروی حق در زندگی ساختار آن را ثابت نگه داشته است.
فيك كنز الإيـمان طلسمه الله فضاعت فيه القرون هـباء
گنج ایمان در توست که طلسمش خداوند است و قرن ها بر آن گذشته است.
هو رمز البقاء فـى فلک لم یحو الا ما سوف یلقى الفناء
او رمز ماندگاری فلک است و اگر او نبود قطعا فلک نابود می شد.
بطل الطف فيک والطف افق جاوز الافق أنجماً وسـماء
قهرمان طف در توست و طف افقی است که از افق ستارگان و آسمان فراتر رفت.
ها هنا قد ثوى أبا الفضل ذنباً تـسحر الروح روعة وصفاء
آری در اینجا ابوالفضل العباس مسکن گزیده است دنیایی که روح را در شکوه و آرامش مجذوب خود می کند.
ها هنا مشرق العقيدة زهو بشعاع غطى الوجود سناء
اینجا محل طلوع عقیده است و دارای پرتوی است که وجود را سرشار از نور می کند.
ها هنا جسمه الموزع مكنوزٌ عليه ظـلال الاله أفاء
در اینجا پیکر پاره پاره ی حضرت ابوالفضل(ع) نهفته است و بر آن سایه خداوند برگشته است.
واليدان المقطوعتان تشيران لمعنى أعیى الحـروف أداء
و دو دوست قطع شده که به مفهومی اشاره می کند که حروف از ادای آن ناتوانند.
أبها الصخرة العظيمة باهى بعلاء الأملاك والأئـبياء
ای صخره عظیمی که فرشتگان و انبیا به واسطه بزرگی اش به خود می بالند.
رفع الله للحکيم مقامـاً دونه یخـشع الزمان أحتذاء
خداوند مقام حکیم را بالا برد که در مقابلش روزگار سر فرود می آورد.
ایة الله مـدا تحداه باغ بقـواه الا تلاشى عیاء
نشانه ی خداوند که هیچ ستگری با نیروهایش نتوانست در برابر او مقاومت کند.
أشاء أن یسبق الحياة بمعنی عنه أعـنى تفکیرها أیـحاء
با آوردن معنایی در باره او، می خواهیم از اندیشه و اشارات زندگی پیشی بگیرد.
بعد ما أنشأ الضریح نشیداً أسکر الـففن روعة وبهاء
پس از آنکه ضریح حضرت ابوالفضل سرودی را ایجاد کرد که عظمت و شکوه و جلال هنر را مست کرد.
أرسل الآية التى رفعـتها قدرة الحق فى الخـلود لواء
نشانه ای را فرستاد که قدرت حق در جاودانگی پرچم آن را برافراشت.
صخرة ابدعتها فكرة الفـن فلاحـت قصـيدة غراء
صخره ای که ایده فن آن را ابداع کرد و قصیده ای غرور انگیز را نمایان کرد.
وعليها رف مجد أبى الفضل فتزداد شـوكة وعلاء
در این قصیده بزرگواری ابوالفضل عباس(ع) ذکر شده و باعث افزایش شوکت و عظمت آن شده است.
صان فيها للجعـفـرية شأناً قد اغاض الحـساد والاعداء

در آن شان و منزلت شیعه جعفری حفظ شده است که حسودان و دشمنان را به خشم واداشته است.
بارک الله فی عزیمة ابراهیم اذا حاکت القضاء مضیاء
اراده ابراهیم مبارک باشد چه آنکه قضا و قدر در محکمی از آن تقلید کرد.
صراع الحادثات تلاشت دونه وازدها بـها کبریاء
با حوادث قضا و قدر درگیر شد و درمقابلش متلاشی شدند و کبریا به واسطه آن اراده به خود بالید.